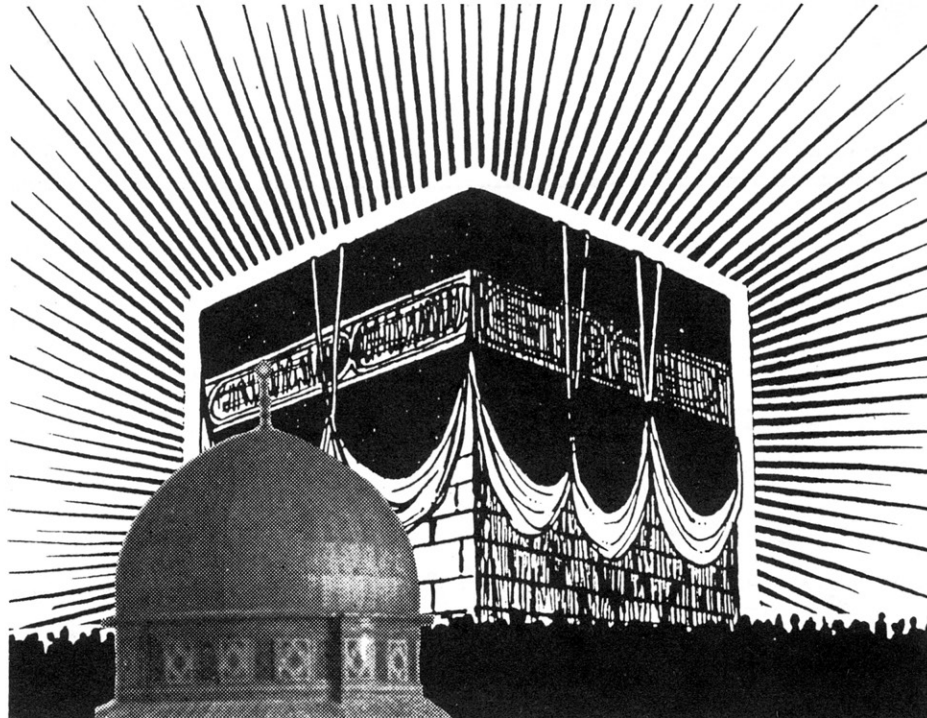




شرافت کعبه و برتری آن بر بیت المقدس

هادی امینی / محسن آخوندی

از دیر زمان، میان جمهور مفسران و محدثان، پیرامون این موضوع که کدام یک از «بیت الحرام» و «مسجد الاقصی» بر دیگری اولویت و برتری دارد، بحثهایی طولانی و مناقشه‌هایی تند وجود داشته است که ریشه‌های آن به عهد اقدس نبوی می‌رسد. یهود را گمان بر آن است که مسجد الاقصی، اشرف و افضل است و جمعی از مسلمانان، در مقام پاسخگویی برآمده، از راه عقل و نقل و با دلایلی محکم و براهینی استوار، عقیده به برتری مسجد الاقصی، را باطل دانسته‌اند.

باید گفت که حقیقت اولویت، تقدم و پشت‌از بودن در برکت و هدایت‌گری عالمیان است که این دو، در مسجد الاقصی، محقق و موجود نیست.

از امیر مؤمنان علی - ع - نقل می‌کنند که فرمود: «نخستین خانه، که ویژه برکت شد و دارای این چگونگی گردید که هر کس وارد آن شود، ایمنی یابد، کعبه است.»

امام حسن مجتبی - ع - فرمود: «کعبه، نخستین مسجد است که خدای، در آن عبادت گردید.»

مطرف گوید: «کعبه نخستین خانه‌ای است که قبله قرار داده شد. و خداوند آن را به «مبارک» بودن وصف فرمود. (آنجا که می‌فرماید: «ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مبارکاً وهدى للعالمین»)) و در اینجا دو بحث در میان است:

۱ - منصوب بودن کلمه «مبارک»، از جهت ادبیات عرب، به خاطر «حال» بودن آن است و جمله، در تقدیر چنین می‌شود: «لَلَّذِي اسْتَقَرَّ هُوَ بِبَكَةِ مَبَارَكاً» نخستین خانه‌ای که برای مردم وضع شده، همانا خانه‌ای است که در مکه قرار گرفته در حالی که مبارک است. و ممکن است که حال از ضمیر مستتر در وُضِعَ باشد. در خبر نیز آمده است که نخستین خانه‌ای که بدان روی آوردند و از آن برکت طلبیدند مکه است.^۱

۲ - «برکت» را دو معنی است:

الف - نمو یافتن و زیاد شدن پیوسته خیرات و طاعات و عبادات.

ب - بقاء و دوام و ثبات دائمی خیرات و عبادات و طاعات در آن؛ و حتی، روایت شده که در هیچ زمانی، طواف خانه خدا، قطع نمی‌گردد و گفته‌اند که پاداش عبادت در آنجا چند برابر است؛ چنانکه از عبدالله بن عباس، نقل شده است.

و در روایتی آمده است! زنی به بیماری دچار شد نذر کرد، اگر خداوند او را بهبودی بخشید به جانب «بیت المقدس» خارج شود و در آنجا نماز گزارد. از آن بیماری رهایی یافت و آماده حرکت به بیت المقدس بود که «میمونه» همسر پیامبر اکرم - ص - سر رسید و از تصمیم او آگاه شد. به او گفت: بنشین و آنچه آماده کردی تناول کن و در مسجد رسول الله - ص - نماز گزار، چه، از رسول اکرم - ص - شنیدم که فرمود: «نماز در آن، از هزار نماز در مساجد دیگر - جز مسجد الحرام - با فضیلت تر است.»^۲

از جهت دوام و بقاء و ثبوت لایزال الهی، گفته می‌شود «تبارک الله» و گودال شنبیه حوض را «برکه» می‌گویند؛ چون آب در آن ثابت و بر قرار می‌ماند و نیز وقتی شتر: سینه بر زمین می‌نهد و استوار و مستقر می‌گردد، می‌گویند: «برک البعیر».

به هر حال، اگر برکت را به معنای افزون شدن و نمو یافتن، بگیریم، این خانه، به لحاظ اموری چند مبارک خواهد بود:

۱. طاعات و عباداتی که در آن به جای آورده می شود، ثوابی فزونی تر دارد. رسول اکرم - ص - فرمود: «برتری مسجد الحرام بر مسجد من، همانند برتری مسجد من است بر دیگر مساجد».

و نیز فرمود: «فضیلت نماز در مسجد من، از هزار نماز، در غیر آن بیشتر است».

باز فرمود: «فضیلت نماز در مسجد الحرام بر غیر آن یک صد هزار نماز است، و در مسجد من هزار نماز».^۲

اما در مورد حج، رسول اکرم - ص - فرمود: «العمره الى العمرة كفارة لما بينهما والحج المبرور ليس له جزاء الا الجنة».

«میان دو عمره، همه گناهان آمرزیده می شود و حجتی که مورد پسند پروردگار باشد جز بهشت، پاداش ندارد».

نیز فرمود: «هر کس، به این خانه در آید و مرتکب آلودگی و فسقی نشود: آنگونه از آنجا باز می گردد که گویی از مادرزاییده شده باشد».^۴ و بدیهی است که برکتی بالاتر از جلب آمرزش و رحمت پروردگار نیست».

۲. یکی از مفسران گوید: منظور از برکت، همان است که در این کلام خدا آمده است: «اولم نمکن لهم حَرَمًا آمِنًا یَجِبُ اِلَیْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَیْءٍ رِزْقًا مِّنْ لَّدُنَا وَاکْثَرُ هُمْ لَا یَعْلَمُونَ»^۵

«آیا حرم مکه را برای ایشان، محل آسایش و ایمنی قرار ندادیم تا به این مکان، انواع نعمت و ثمرات که ما روزیشان کردیم، از هر طرف بیاورند، لیکن اکثر آنان، نادانند».

چنانکه در آیه «الى المسجد الأقصى الذی بارکنا حوله»^۶، مراد از برکت، همان میوه ها و ثمرات درختان و گلها است.

۳. اگر خردمندی به دیده ژرف بین بنگرد و در ذهن خود، کعبه را همانند «نقطه» و صفوف کسانی را که در نماز روی به آن دارند، همانند «دایره» هایی پیرامون آن نقطه، مجسم نماید و به شمار صفهای محیط این دایره، به هنگام اشتغال نمازگزاران به نماز، توجه کند، شکی ندارد که در میان این نمازگزاران، انسانهایی وجود دارند با روحهای بلند و نفوس روحانی و قلوب قدسی و دلهای نورانی و نهادهای ربانی که چون این ارواح پاک به کعبه معرفت و ایمان و قداست، روی آورند و پیکرهایشان به سوی آن کعبه محسوس در خارج، متوجه باشد، لاجرم

آنکه در نزد کعبه است، از انوار صادر شده از آن ارواح نورانی، بهره‌مند گردیده و انوار الهی در قلبش شعله بر می‌کشد و درخشش و فروزندگی انوار روحانی در ضمیر و ژرفای دلش، بالا می‌گیرد. و این مقامی است بس بزرگ و دریایی است پهناور. «ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء و الله ذوالفضل العظیم» این هم، بیان دیگری است که مبارک و باعث خیرات و برکات بودن کعبه را تثبیت می‌کند.

اگر هم، برکت را به دوام و بقاء تفسیر کردیم، آن نیز صادق است؛ چرا که هیچگاه، کعبه از «طائفین»، «عاکفین» و «رکع السجود» خالی نیست. بنابر این طاعات و عبادات، در آن دائمی و همیشگی است. افزون بر این، زمین کروی است و هر لحظه‌ای که تصور شود، برای گروهی صبح است و برای قومی ظهر و برای امتی عصر و برای مردمی، مغرب و عشا، بنابراین هرگز کعبه، از وجه نمازگزاران گوشه‌ای از این جهان پهناور، منفک و جدا نیست.

چنانکه ساختمان کعبه نیز بر این حال و صورت، در امتداد تاریخ بشریت، از هزاران سال پیش، دوام و بقا داشته است. پس از هر جهت که تصور شود، و به هر سنایی که در ذهن خطوط کند، کعبه «مبارک» است.

صفت سومی که «کعبه» به آن متصف است «هدی للعالمین» بودن آن است که دو گونه تفسیر شده است:

۱ - بعضی از مفسران گفته‌اند: «مراد دلالت و هدایت جهانیان است به سوی خداوند؛ چرا که هر جباری که قصد آنجا را کرد - همانند اصحاب فیل و دیگران - به هلاکت رسید. آهوان با سنگ و گرگ در حرمش در کنار هم زیست می‌کنند. در صورتی که بیرون آن خانه و در دیگر شهرها، از یکدیگر گریزانند. با اعجاز الهی، سنگریزه‌هایی که همه ساله در مراسم (رمی جمره) پرتاب می‌گردد معحو می‌شوند؛ زیرا اگر چنین نبود باید کوههایی از سنگریزه در آنجا بوجود می‌آمد. پرندگان بر فراز آن خانه پرواز نمی‌کنند و در آنجا با مردم انس می‌گیرند. بیماران به آن شفا می‌گیرند و هر کس که حرمت آن خانه را بشکند، به سرعت کیفر می‌بیند همه اینها و دیگر امور، آیات و نشانه‌هایی آشکارند بر وجود خداوند متعال.»

۲ - و برخی گفته‌اند مراد این است که: این خانه، قبله‌ای برای جهانیان است و بدینگونه آنان را به جهت نمازشان هدایت می‌کند. و یا اینکه با حج و طواف آن، به سوی جنت هدایت می‌شوند. البته چنین نیز گفته‌اند که مراد این است که آن خانه، دلالت بر وجود صانع و خدای

یکتا و صدق رسالت پیامبر اکرم و نبوت آن حضرت می‌کند؛ چراکه هر چه دلالت بر نبوت آن حضرت کند، پیش از آن، بر وجود خالق متعال و تمام صفات ثبوتیه او از علم، قدرت، حکومت، حکمت، رحمت، قوت، بی‌نیازی، و... رهنمون است.^۷



در آغاز این بخش گفتیم که یهود بر مسلمانان فخر می‌فروختند که فضیلت بیت المقدس از کعبه افزون است. ابوالولید محمد بن عبدالله بن احمد ازرقی از ابو محمد از ابوالولید، از نیای خود و او از سعید بن سالم، از عثمان بن ساج، روایت کرد که ابو جریح، گفت: شنیدیم که یهود گوید بیت المقدس بر کعبه برتری دارد چه، آن محل، هجرتگاه پیامبران و در زمین مقدس واقع شده، اما مسلمانان می‌گفتند کعبه با فضیلت‌تر و برتر از بیت المقدس است؛ چون این سخن به عرض رسول اکرم - ص - رسید، این آیه نازل شد: «ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركا و هدي للعالمين فيه آيات بينات مقام ابراهيم و من دخله كان آمنا».

«نخستین خانه‌ای که برای مردم وضع شده کعبه است که مبارک و مایه هدایت جهانیان است، در آن آیات و نشانه‌های روشن و مقام ابراهیم است. و هر کس در آن درآید، ایمن خواهد بود.»^۸

به دنبال این تفاخر زشت یهود، گفتگوها و جدالها بین مسلمانان و یهود آغاز شد و دامن اختلاف بالا گرفت. در حقیقت آنان بودند که تخم اختلاف و درگیری و آتش افروزی را کاشتند و آن را آبیاری کردند. قبل از آنکه به بیان فضایل کعبه و توضیح ارزشها و صفات برجسته آن که به تصریح جمهور مفسران هیچ کدام از آنها در بیت المقدس یافت نمی‌شود بپردازم؛ دوست دارم این نکته را بگویم که یهود همواره عامل و برانگیزنده تفاخری زشت و جدالی بی‌پایه و اساس بوده و آن را دامن می‌زده اما خود در بند آن گرفتار آمد و جز با ذلت و خواری و تیره روزی از آن رهایی نیافت. از قدیم گفته‌اند: «هر کس از روی دشمنی، به جنگ حق رود، هلاک خواهد شد» از همان هنگام که نخستین جرقه مقدس اسلام در مکه زده شد، با دشمنی کینه جویانه و توطئه‌های گوناگون و آزارها و شکنجه‌ها و آزمندیها و مکر و نیرنگهای ننگین آنان در میدانهای گوناگون و از جهات مختلف مواجه بوده است و هم چنان تا امروز مسلمانان و جهان انسانیت و بشریت، از مصیبتها و بلاها و جنایتهای آنان می‌نالند.

آری، یهود بر مسلمانان فخر می‌فروختند و مانند سایر اندیشه‌های واهی خود چنین می‌پنداشتند که بیت المقدس از کعبه برتر و شریفتر است. اما علمای اسلام و پیشاپیش آنان رجال تفسیر و حدیث و کلام در مقام پاسخگویی بر آمدند و همگی در پیرامون آیه کریمه «ان اول بیت وضع للناس للذي ببكة مباركاً وهدى للعالمين فيه آيات بينات مقام ابراهيم و من دخله كان آمناً» گفته‌اند این آیه در حد ذات خود در مقام رد و پاسخگویی به بهانه‌ای دیگر از بهانه‌های یهود در عدم پذیرش نبوت پیامبر اکرم - ص - است. و آن بهانه این است که چون پیامبر - ص - قبله را از بیت المقدس به سوی کعبه گرداند، یهود در نبوت او طعن زده گفتند: بیت المقدس برتر و سزاوارتر برای قبله بودن است؛ چرا که پیش از کعبه بنا شده و سرزمین محشر و قبله همه پیامبران بوده است؛ بنابراین برگرداندن قبله به جانب کعبه عملی باطل است که از پیامبر خدا سر نمی‌زند خدای تعالی این سخن را چنین پاسخ فرمود که «ان اول بیت وضع للناس...» و آشکارا فرمود که کعبه از بیت المقدس افضل و اشرف و برای قبله قرار گرفتن سزاوارتر است.

البته این آیه پاسخگوی این سؤال نیز هست که آیا نسخ ممکن است یا خیر؟ پیامبر اکرم - ص - بر امکان نسخ چنین استدلال کردند که خوردن چیزهایی برای بنی اسرائیل، مباح بود و بعدها خدای تعالی، خوردن بعضی از آنها را حرام فرمود و قوم در این مسأله با رسول خدا به گفتگو پرداختند. از مهمترین اموری که رسول خدا نسخ را در آن می‌آوردند مسأله قبله است از این جهت خداوند در این آیه، عامل تحویل قبله به جانب کعبه را که همان افضلیت کعبه است بیان کرده و در آیه پیش از آن، فرموده است: «قل صدق الله فا تبعوا ملة ابراهيم حنيفاً وما كان من المشركين» که این آیه صراحت دارد در اینکه حج، از بزرگترین شعائر دین ابراهیم بوده است و این: اشاره به فضیلت خانه خدا دارد که وجوب حج، بر آن مترتب شده است به علاوه از آنجا که هر یک از یهود و نصاری خود را پیرو دین ابراهیم می‌پنداشتند. خداوند در این آیه خواسته است که کذب گفتار آنان را بیان کند به اینکه حج در دین ابراهیم بوده است و حال آنکه یهود و نصاری حج نمی‌گزارند و این خود دلیل بر کذب گفتار آنان است. گفتیم که مقصود از اولیت در آیه، مقدم بودن و اولویت داشتن در برکت و هدایتگری آفریدگان است، اگر چه روایت شده است که از پیامبر سؤال شد اولین مسجدی که برای مردم بنا شد کدام است؟ فرمود: مسجد الحرام و سپس بیت المقدس، پرسیدند فاصله زمانی بین آن دو چه اندازه بوده است؟ فرمود چهل سال.^۱

و یا در حدیث دیگری (از ابو سعید خدری) آورده‌اند که رسول اکرم - ص - فرمود: بار

سفر خود جانب این سه مسجد بیندید:

«مسجد الحرام و این مسجد من و مسجد الاقصی»^{۱۰} اما پر واضح است که دلالت آیه بر اینکه اولیت کعبه در فضل و شرف است، قابل خدشه نیست؟ چرا که آیه در مقام بیان ترجیح کعبه بر بیت المقدس است و ترجیح تنها با اولیت در «فضل و شرف» تحقق می یابد و اولیت در «بنا»، اثری در مقصود ندارد. اما چنانکه قبلاً گفتیم اولیت در فضیلت منافاتی با ثبوت اولیت در بنا ندارد.

به هر حال منظور از این اولیت در آیه، زیادت فضیلت و شرافت و عظمت این خانه است و اکنون اسباب فضیلت و مزایای مهم و ارزشها و خصوصیات والایی را که تنها در کعبه یافت می شود و مفسران به آن اشاره کرده اند گوشزد می کنم:

﴿ هـ همة امتهما اتفاق دارند که بنا کننده این خانه ابراهیم خلیل - ع - است و بانی بیت المقدس سلیمان - ع - است و فضل و منقبت افزون حضرت ابراهیم - ع - قابل انکار نیست. پس از این جهت، کعبه بر بیت المقدس شرافت دارد: «و اذ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا وَ طَهَّرَ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ».^{۱۱}

«یاد آور ای رسول که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم تا با من هیچ انباز و شریک نگیرد و به او وحی کردیم که خانه را برای طواف حاجیان و نمازگزاران و رکوع و سجود کنندگان پاک و پاکیزه گردان.»

و ابلاغ کننده این تکلیف جبرئیل است از این جهت گفته شده خانه ای در این دنیا، به شرافت کعبه نیست؛ چرا که امر کننده برای ساختن آن، خدای یگانه است و مهندس آن جبرئیل و معمار سازنده آن، ابراهیم خلیل و شاگرد اسماعیل - علیهم السلام - است.

﴿ هـ مقام ابراهیم که قطعه سنگی است که ابراهیم - ع - بر آن پای نهاد و خدای تعالی محل پای وی را از حالت سختی سنگ بودن در آورد و نرم گردانید تا جای پای ابراهیم - ع - بر آن نقش بست، سپس باز به حالت سنگین در آورد و هیچ کس جز خدای تعالی بر چنین کاری توانا نیست و جز برای پیامبران، آن را به ظهور نمی رساند. خدای رحمان آن سنگ را در این سالهای طولانی، هم چنان باقی گذاشت و جای پا و انگشتان پای، به وضوح دیده می شد اگر چه تماس و مسح بسیار مردم، آن را فرسوده کرد.

ابوالولید محمد ازرقی از محمد بن یحیی از محمد بن عمر واقدی از ابن ابی نسیره از

اسحاق بن عبدالله بن ابی فروة از عمر بن حکم از ابو سعید خدری روایت کرده که او گفت: از عبدالله بن سلام درباره جای پایی که در مقام است پرسیدم، گفت: این سنگ، از روزگار قدیم چنانکه امروز هست وجود داشته است و خدای سبحان اراده فرمود که مقام را نشانه‌ای از نشانه‌های خود قرار دهد، پس چون ابراهیم مأمور شد که مردم را برای حج فراخواند بر «مقام» ایستاد، آنگاه مقام ارتفاع گرفت، تا از بلندترین کوه درگذشت و بر همه جا، مشرف گردید. آنگاه فرمود: ای مردم! فرمان پروردگار خود را اجابت کنید مردم به آن ندا لبیک گفتند و فریاد بر آوردند: «لبیک اللهم لبیک» پس به اراده خداوند جای پای او بر سنگ باقی ماند و او هم چنان به چپ و راست خود نظر می‌کرد و می‌گفت: «اجابت کنید پروردگارتان را، چون کار پایان یافت، نسبت به مقام، مأمور شد و آن را قبله قرار داد و به سوی آن، مقابل باب کعبه، نماز به جای آورد.»^{۱۲}

۱۲. عدم انباشته شدن سنگریزه‌هایی که برای «رمی جمره» پرتاب می‌شود، با آنکه شمار افرادی که در هر سال در آنجا به رمی جمره می‌پردازند بالغ بر ششصد هزار است که هر کدام هفتاد سنگ پرتاب می‌کنند؛ لیکن حتی به اندازه سنگریزه‌هایی که نه تنها در یک سال باید جمع گردد، دیده نمی‌شود در حالی که آن محل، نه سیل گیر است و نه بادگیر تا در معرض سیل یا بادهای تند قرار گیرد و سنگریزه‌ها در اثر آن، به جای دیگر منتقل گردند.^{۱۳}

۱۳. پرنده‌ها در پرواز، از بالای کعبه نمی‌گذرند و چون به آن فراز می‌رسند راه را منحرف می‌کنند.

شیخ قطب الدین نهروانی مکی حنفی می‌گوید: «شایسته است کسی که در «مکه» خانه می‌سازد، ارتفاع آن را بلندتر از بنای کعبه شریف قرار ندهد. که بعضی از صحابه امر به ویرانی چنین خانه‌ای می‌کردند.»

ازرقی گوید: «کعبه را از آن رو، کعبه نامیده‌اند که بنایی بلندتر از آن در مکه ساخته نمی‌شود، آنگاه از نیای خود از ابن عبینه از ابن شیبہ حجبی از مشیبه بن عثمان روایت کرده است که او نظارت و مراقبت می‌نموده و هر خانه‌ای را که بلندتر از کعبه یافت امر به خرابی آن داد. آنگاه از جد خود نقل می‌کنند که چون بنی عباس بن محمد بن علی بن عبدالله بن عباس - رضی الله عنه - در مکه پیرامون مسجد الحرام، خانه می‌ساخت به قوم خود فرمان داد که برای بزرگداشت به عظمت کعبه خانه را بلندتر از کعبه بنا نکنند. هیچ خانه‌ای مشرف بر کعبه در مکه

باقی نماند مگر اینکه منهدم و ویران شد مگر این خانه که تا امروز باقی است.^{۱۴}

﴿در کنار آن خانه، حیوانات وحشی بدون حمله و آزار به یکدیگر، با هم زیست می کنند هم چون سگان و آهوان. سگان و حیوانات وحشی در آنجا شکار نمی کنند. و این ویژگی بسیار شگفتی است - هم چنانکه ساکنان مکه به سبب دعای ابراهیم که فرمود: «رب اجعل هذا بلداً آمناً»؛ «پروردگارا! اینجا را سرزمینی امن قرار ده.»

در آنجا همه کس و همه چیز از چپاول و غارت و آتش سوزی در امانند. خداوند متعال در این باره گوید: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَا جَعَلْنَا حَرَمًا آمِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِهِمْ»^{۱۵} «آیا کافران ندیدند که ما آن شهر را حرم امن و امان قرار دادیم در صورتی که از اطرافشان مردم ضعیف را به قتل و غارت می ربایند.»

و در آیه دیگری فرماید: «فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ»^{۱۶}.

«پس پروردگار کعبه را باید پرستش کنند که آنان را طعام داد و از گرسنگی در آورد و از ترس و خطرهای امن ساخت.»

و تاریخ نیز بطور مسلم و قاطع نمی گوید که ستمگری «کعبه» را ویران «مکه» را تماماً خراب کرده باشد. حال آنکه «بخت النصر» سراسر بیت المقدس را ویران و آن را از روی زمین برانداخت.

﴿صاحب فیل؛ یعنی «ابرهه بن صباح اشرم» که از جانب نجاشی فرمانروای یمن بود. کنیسه ای را در صنعا بنا کرد و آن را «قلیس» نام نهاد و بر آن شد تا حاجیان را از کعبه به سوی آن متوجه گرداند. مردی از «بنی کنانه» آهنگ آن معبد کرد. و شب هنگام آنجا را آلوده ساخت. این کار «ابر» را سخت خشمگین ساخت و گفته اند گروهی عرب، آتش افروختند و باد، دامنه آن آتش را به معبد کشاند و آنجا را بسوخت، پس ابرهه سوگند یاد کرد کعبه را ویران سازد و برای این منظور، همراه با فیل و لشگریان خود به جانب مکه حرکت کرد. قریش از پایداری در مقابل چنان سپاهی ناتوان بودند؛ از اینرو از مکه بیرون رفتند و کعبه را به او واگذاشتند. چون به مکه نزدیک شد، عبدالمطلب به سوی او خارج شد و یک سوم اموال «تهامه» را به او پیشنهاد کرد تا باز گردد، اما او نپذیرفت و سپاهیان را مهیای حمله کرد و فیل را جلو قرار داد اما چون روی او را به جانب حرم قرار می دادند، فیل زانو می زد و از حرکت باز

می ماند و چون روی او را به جانب یمن، یا هر جهت دیگری می گردانید، بنای دویدن می گذاشت «ابرّه دویست شتر از شتران (عبدالمطلب) را تصرف کرده بود به همین جهت عبدالمطلب به نزد وی می رود. عبدالمطلب که مردی خوش سیما و تنومند و با وقار بود و به عنوان پیشوای قریش و صاحب کاروانهای مکه به ابرّه معرفی شده بود، در چشم او، بسیار بزرگ آمد. اما چون حاجت و مقصود خود را با ابرّه در میان گذاشت. ابرّه گفت از چشم من افتادی؛ چرا که من برای ویرانی خانه ای آمده ام که اساس آئین تو و پدران تو است و تو در بند رهایی شتران خویشتن؟! عبدالمطلب گفت: من صاحب شتران خویشم و خانه را صاحبی است که تو را از آن باز خواهد داشت آنگاه عبدالمطلب به سوی خانه خدای بازگشت و حلقه در را گرفت و چنین سرود:

لاهم ان المرء يمنع حله فامنع حلالك وانصر على آل الصليب و عابديه اليوم آلك
لا يغلبن صليبهم و محالهم عدوا محالك ان كنت تاركهم و كعبتنا فامرنا بذلك
آنگاه می گوید:

«یارب لا ارجو لهم سوا کا یارب فامنع عنهم حما کا».

پس در حالی که دعا می خواند از خانه بازگشت که ناگهان پرندگان را دید که در سمت یمن در پروازند. پس بانگ برآورد که به خدا سوگند اینان پرندگان عجیب و ناآشنایی هستند که نه از دیار نجد می باشند و نه از سرزمین تهامه. هر پرندۀ ای سنگریزه ای در منقار، دو سنگریزه در دو چنگال خود حمل می کردند که از عدس بزرگتر و از نخود کوچکتر بود.

هر سنگریزه بر سر مردی فرود می آمد و از نشیمنگاهش خارج می شد و هلاک می گردید. و بر هر سنگریزه نام شخصی که بر آن فرود می آمد نوشته شده بود. ابرّه نیز آنچنان مبتلا گردید که انگشتانش فرو ریخت و سینه اش بشکافت و مرد. اما وزیر او (ابو یکسوم) از آن میدان متواری شد در حالی که پرندۀ ای بر بالای سرش پرواز می کرد تا آنکه نزد نجاشی آمد و ماجرا را برای او بازگفت و چون قصه را به پایان رسانید، سنگریزه ای بر سر او فرو افتاد و جسد بی جاناش در برابر نجاشی نقش زمین شد.

«نقاش» در تفسیر خود گوید که سیل لاشه های آنها را به دریا انداخت. عرب درباره این واقعه بزرگ که خداوند در آن خانه گرامی خود را نصرت و حراست می کند، شعرها سروده است. واقعه ای که نشان دهنده شرافت و عظمت و طهارتی است که خداوند با بعثت پیامبر گرامی

اسلام و آئین آورده شده توسط او برای آن خانه اراده کرده است؛ چرا که نماز یکی از ارکان این آئین بلکه ستون آن است و کعبه قبله آن خواهد بود و هرگز این واقعه در جهت یاری قریش نبود؛ چرا که اصحاب فیل از نصاری اهل حبشه بودند که از مشرکین قریش، بسی نزدیکتر به کعبه و خدای کعبه بودند. بنابر این، این واقعه تنها برای نصرت بیت الحرام و زمینه سازی برای بعثت پیامبر اکرم - ص - بود. «عبدالله بن زبیری سهمی قرشی» که از شاعران قریش در زمان جاهلیت و از مخالفان سر سخت مسلمانان و در گذشته بسال ۱۵ هجری است. درباره این واقعه، اشعاری با این مطلع سروده است:

تَنكَلُوا عَنْ بَطْنِ مَكَّةَ اِنَّهَا كَانَتْ قَدِيماً لایِرام حَریمِها
لَمْ تَخْلُقِ الشَّعْرَى لِيَالِي حَرَمِ اِذْ لَا عَزِيزٌ مِنَ الْاِئِمَامِ يَرْوِیْها

از ابن عباس رسیده است که از آن سنگریزه ها، نزد ام هانی دیده است که هم چون پیمانهای می ماند که در آن خطوط قرمزی به رنگ عقیق ظفاری، منتقش بود. از عائشه نیز نقل کرده اند که گفت: من زمام کش فیل و کسی که به دنبال آن حرکت می کند، هر دو را زمین گیر و نابینا دیدم که به گدایی طعام می طلبید^{۱۷} و این دلیل و نشانه آشکاری بر شرافت کعبه و نوید دهنده پیامبری حضرت محمد - ص - می باشد.

❧ خداوند سبحان این خانه را در بیابانی خشک و بدون کشت و زرع قرار داد - حکمت این کار در چندین وجه است:

(الف) خالق متعال اراده کرده است که امید اهل حرم و خدمتگزاران آن را از غیر خود ببرد تا اینکه در زندگانی جز به خداوند توکل نداشته باشند. البته توکل تنها از آن اهل حرم نیست بلکه تمام انسانها از هر طبقه و نژادی از هنگام بلوغ تا آخرین لحظات زندگی باید در تمام حالات و دگرگونیهای زندگی بر او توکل کنند. در حدیث قدسی آمده است که خداوند فرمود: به عزت و جلال و مجد و عظمت خودم سوگند که هر آرزویی را که جز به من بسته شود به ناامیدی قطع کنم و آن آرزومند را نزد مردم جامه مذلت پوشانم.

(ب) تا آنکه جباران و طاغوتها و پادشاهان سکونت در آنجا اختیار نکنند، چه آنها از پی زر و زیور زندگی هستند و چون آن را در آنجا نیابند روی به مکان دیگری آورند و بدینگونه آن مکان از لوث و وجود اهل دنیا و طالبان آن پاک خواهد شد.

(ج) خداوند کعبه را در مکانی خشک و بی محصول قرار داد تا احدی به نیت تجارت

روی بدانجا نیاورد و همواره مکانی برای عبادت و زیارت که بر همین اساس بنیان نهاده شده باقی بماند.

د) خداوند سبحان بدینگونه شرف فقر را نمایان ساخت زیرا شریفترین خانه را در فقیرترین موضع قرار داد در جایی که از دنیا کمترین نصیب را دارد. گویی با این نکته می‌فرماید: تنگدستان و فقرا، را در این جهان اهل «بلدا لامین» قرار دادم، در آخرت نیز آنان را اهل «مقام امین» می‌گردانم. در این جهان، (خانه امن) از آن آنان است و در آن جهان، (سرای امن).

ه) گویی خداوند خواسته است بگوید: هم آن سان که کعبه را جز در موضعی خالی از تمام نعمت‌های دنیا قرار ندادم، کعبه معرفت را نیز جز در دل پاک و فارغ از مهر دنیا و بی‌اعتنا به زیور و زینت آن قرار نخواهم داد.

این، خلاصه‌ای بود از آنچه مفسران: پیرامون ویژگیها و فضائل کعبه بیان کرده بودند و چون ثابت شد که کعبه نخستین و اولین خانه در فضیلتها و منقبتها برجستگیهای گوناگون که برای مردم بنا شده، بطلان خیال یهود که بیت المقدس را اشرف از کعبه می‌پندارد، آشکار گردید. پس به آنان باید گفت: «موتوا بغیظکم اِنَّ اللهَ علیم بذات الصدور».

پاورقی‌ها:

- ۱ - مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۷۷ از ضحاک - تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۱۸۷، تفسیر کشاف، ج ۱، ص ۴۷۷.
- ۲ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۱۰۴۲ باب فضیلت نماز در دو مسجد مکه و مدینه.
- ۳ - الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۲۱۴ حدیث شماره ۵۸۶۸.
- ۴ - صحیح مسلم، ج ۲، ص ۹۸۵.
- ۵ - سوره قصص: ۵۷.
- ۶ - سوره اسراء: ۱.
- ۷ - تفسیر فخر رازی، ج ۸، ص ۱۴۹ - مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۷۸.
- ۸ - اخبار مکه، ج ۱، ص ۴۰ - مجمع البیان، ج ۲، ص ۴۷۷ - تفسیر أبی السعود، ج ۲، ص ۶۰.
- ۹ - صحیح مسلم، ج ۱، ص ۳۷۰.
- ۱۰ - سنن ترمذی، ج ۲، ص ۱۴۸.
- ۱۱ - سوره حج: ۲۶.
- ۱۲ - تاریخ مکه، ج ۱، ص ۲۷۳.
- ۱۳ - تفسیر فخر رازی، ج ۸، ص ۱۴۵.
- ۱۴ - الإعلام بأعلام بیت الله الحرام، ص ۱۶ - ۱۵.
- ۱۵ - سوره عنکبوت: ۶۷.
- ۱۶ - سوره قریش: ۴ - ۳.
- ۱۷ - تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۹۶ - تفسیر کشاف، ج ۴، ص ۲۸۶ - تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۵۵۰ - تفسیر السراج المنیر، ج ۴، ص ۵۸۸ - البدایة و النهایه، ج ۲، ص ۱۷۵ - الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۴۴۴.